

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال پنجم، دوره جدید، شماره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۵-۵۴

واکاوی شخصیت زنان در داستانهای دو مجموعه «لیتنی کنت أعلم» و «الخالة

الضائعة» اثر «بنت الهدی صدر»*

علی اصغر حبیبی

استادیار دانشگاه زابل

چکیده

یکی از مهمترین مؤلفه‌های ساختاری در داستان که بار اصلی داستان را بر دوش می‌کشد، عنصر شخصیت است. در این بین، حضور چشمگیر زن به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی و اهتمام به شخصیت‌پردازی از زنان، از اصلی‌ترین مباحث مرتبط با داستان است که در چند دهه اخیر مورد توجه داستان‌نویسان قرار گرفته است. یکی از نویسندگان معاصر عرب که اهتمامی ویژه به نقش زن داشته است «بنت الهدی صدر» است. با توجه به حضور پرسامد زن در داستانهای بنت الهدی صدر، نگارنده این پژوهش، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شخصیت زن و روشهای شخصیت‌پردازی او در چهارده داستان کوتاه این نویسنده در دو مجموعه «لیتنی کنت أعلم» و «الخالة الضائعة» پرداخته است. ابتدا انواع شخصیت اعم از ایستا و پویا، اصلی و فرعی، ساده و جامع بررسی کرده، در ادامه، شیوه‌های شخصیت‌پردازی (مستقیم و غیر مستقیم: گفتگو، کنش و نام) واکاوی شده است. نتایج جستار پیش رو نشان می‌دهد که تقریباً اغلب شخصیت‌های داستانهای بنت الهدی صدر، زنان دیندار و از نوع ایستا و ساده هستند و نویسنده بیشتر ناظر به خصوصیات باطنی و معنوی آنها در پردازش شخصیت‌های داستانی، از هر دو روش مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته است.

کلمات کلیدی: شخصیت‌پردازی، زن، داستان کوتاه، بنت الهدی صدر.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۱۳

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۱۷

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: amin_habiby@yahoo.com

۱. مقدمه

۱.۱ تعریف مسأله

شخصیت را باید مهمترین عنصر در ساختار روایی قلمداد کرد؛ زیرا این عنصر به عنوان عاملی ارتباط دهنده در ساختار روایی، دیگر اجزا و عناصر روایی را بهم مرتبط می‌سازد. (عبدالمحسن، ۲۰۱۱م: ۴۴) و به وسیله آن می‌توان به عمق داستان رفت و درون مایه آن را تشخیص داد. باید اذعان داشت که نوشتن هر نوع داستانی، اعم از داستانی، داستان کوتاه، داستان بلند و رمان، بدون وجود شخصیت امکان پذیر نخواهد بود؛ چراکه داستان بدون حضور شخصیت، معنا و مفهومی پیدا نمی‌کند، «دو عنصر زمان و مکان نیز فقط از طریق کارها و کنشها و اکنشهای شخصیت در داستان نمود پیدا می‌یابند.» (سعدون حیدر، ۲۰۱۱م: ۹۸) بدون شخصیت هیچ رویدادی رخ نخواهد داد و حتی در صورت وقوع حادثه‌ای، آن حادثه فاقد تأثیر احساسی بر خواننده خواهد بود؛ امری که مانع از انتقال درونمایه داستان به خواننده می‌شود. نهایتاً آنکه «بدون شخصیت داستانی، نمی‌توان برای جامعه واقعی که نویسنده قصد به تصویر کشیدن آن را دارد، وجودی متصور شد.» (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۷۵)

شخصیت‌پردازی، آفرینش اشخاص با ویژگی‌های اخلاقی و روحی مشخص در داستان است که نویسنده به وسیله آن به معرفی آدمهای خود می‌پردازد. وانگهی «نویسنده در خلق شخصیت‌های داستانی از منابع بسیاری مثل اجتماع، انسانهایی که با آنها زندگی می‌کند، خاطراتی که پشت سر گذاشته است و مخصوصاً از خصوصیات خلقی، عواطف، روحیات و عقاید خود کمک می‌گیرد... و اگر نویسنده‌ای خودش را از اثر کنار بکشد و از دنیای شخصیتها خارج شود، توانایی خود را در تکوین شخصیت‌هایی پویا و زنده از دست می‌دهد.» (باقری، ۱۳۸۷ش: ۳۵) از این روست که نویسندگان موفق و خلاق در پردازش و رشد شخصیت‌های داستانی، بیشتر بر احساسات و دغدغه‌های درونی خویش، به عنوان عضوی از جامعه، تکیه دارند و چندان توجهی به تقلید و یا کپی برداری از فلان شخصیت در فلان داستان ندارند.

در چند دهه اخیر نیز در عرصه ادبیات، نگاهی ویژه به زنان شده است و معمولاً نویسندگان به این امر به عنوان اصلی مهم پرداخته و آن را در آثار خود گنجانده‌اند. به این سبب که در داستانها اغلب از دید مردان به مسائل زنان نگریسته می‌شود و زن چهره مستقل خود را کمتر به نمایش می‌گذارد، در بسیاری از موارد، اگر ادبیات داستانی از ذهنیت زنانه به جهان رو به رو

بنگردد و چهره زن را به خوبی نشان دهد، می‌تواند بدیع و بیان‌کننده شخصیت او باشد. آنگونه که رزالیند مایلر در کتاب «زنان و رمان» می‌نویسد «قهرمان داستان هر نویسنده زن همواره نمونه‌ای شکوهمند از خود اوست.» (همان) در این بین، یکی از نویسندگانی که به طور عمده به شخصیت زنان پرداخته است، بنت الهدی صدر است که در آثار خود، چهره زن مسلمان را به بهترین روش نشان داده است.

روش تحقیق در جستار پیش رو، تحلیلی-توصیفی است. در این تحقیق، با هدف واکاوی عنصر شخصیت، به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه روایی در داستانهای کوتاه دو مجموعه از بنت الهدی صدر، ابتدا عنصر شخصیت، انواع شخصیت و شیوه‌های شخصیت‌پردازی به عنوان بخش پیش‌انگاشت و تئوریک پژوهش ارائه گردیده است. در ادامه و در قسمت اصلی مقاله، نظریات و مباحث نظری مطرح شده، در چهارده داستان کوتاه بنت‌الهدی مورد واکاوی قرار گرفته است تا میزان توانمندی و موفقیت نویسنده مشخص گردد. مجموعه داستانهای کوتاهی که در این تحقیق بررسی شده‌اند: از مجموعه «لیتنی کنت أعلم» داستانهای لیتنی کنت أعلم، صفة خاسره، آخر هدیه، الأيام الأخيرة، الفاقة المالية، مغامرة و از مجموعه «الخالة الضائع» داستانهای الخالة الضائعة، نکران الجمیل، زیارة عروس، اختیار زوجه، صافرة إنذار، نداء الضمیر، عملیة جراحیة، رسائل و خواطر.

۱.۲. پیشینه تحقیق

در زمینه شخصیت‌پردازی در داستان، پژوهشهایی بسیار انجام شده است؛ مانند مقاله صلاح الدین عبدی با نام «شخصیت‌پردازی زن در ادبیات داستانی نجیب کیلانی» (۱۳۹۰ش) به شخصیت‌پردازی زن در سه رمان نجیب کیلانی پرداخته است. نرگس باقری در کتاب «زنان در داستان» (۱۳۸۷ش) پس از ارائه مقدماتی درباره نویسنده‌گی زنان و نگرش زنانه در پردازش داستان، به واکاوی روش زنانه در داستانهای چهار نویسنده زن فارسی (سیمین دانشور، شهرنوش پارسی پور، مهشید امیرشاهی، غزاله علیزاده) پرداخته است. عزت ملا ابراهیمی در مقاله «تحلیل نمادهای زنانه در رمانهای غسان کنفانی» (۱۳۹۱ش)، به بررسی نمادهای زنان در چهار رمان رجال فی الشمس، عائذ الی حیافا، أم سعد و ماذا تبقی لکم، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نمادهای زنان در دو رمان اخیر از حضور پررنگتری برخوردارند؛ اما در زمینه شخصیت-پردازی زن در داستانهای بنت الهدی صدر تاکنون هیچ پژوهش مستقلی انجام نگرفته است.

۲. شناخت نامه بنت الهدی صدر

سیده آمنه صدر (بنت الهدی) فرزند «سید حیدر» در سال ۱۳۵۶ هـ.ق در شهر کاظمین چشم به جهان گشود. خانواده او نسل به نسل اهل علم، جهاد و تقوا بودند و او تنها دختر خانواده بود. شخصیت علمی و دینی بنت الهدی به دست برادرش شهید «محمد باقر صدر» پرورش یافت، تا به درجات عالی علم و معرفت رسید. (نعمانی، ۱۳۸۸ش: ۲۲) وی علم فقه و اصول را نزد برادران بزرگوارش «سید اسماعیل صدر» و «سید محمد باقر صدر» فرا گرفت. بنت الهدی در دلش فقط دغدغه عقیده داشت، به طوری که از تمام دغدغه‌های زندگی دنیا و مشغولیت آن چشم پوشیده بود. سرانجام این بانوی بزرگوار در ۴۳ سالگی به درجه رفیع شهادت رسید. از وی آثاری باقی مانده است (همان: ۵۲) برخی از آثاری که به وسیله بنت الهدی صدر تألیف شده است عبارتند از: الفضیلة تنتصر، الخالة الضائعة، امراتان و رجل، الصراع، لقاء فی المستشفى، مذكرات الحج، لیتنی كنت اعلم، بطولات المرأة المسلمة، كلمة و دعوة، الباحثة عن الحقيقة، المرأة مع النبی.

۳. انواع شخصیت

شخصیتهای داستانی را می‌توان از چند نظرگاه بررسی کرد:

شخصیت ایستا و پویا؛ شخصیت اصلی و فرعی؛ شخصیت ساده و جامع یا پیچیده (برنس، ۲۰۱۲م: ۱۰۰ و روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۸۵)

۱. **شخصیت ایستا:** به شخصیتی گفته می‌شود که ابعاد شخصیتی او در آغاز و پایان داستان ثابت می‌ماند و تحت تأثیر حوادث و وقایع، تغییر نمی‌یابد و یا تغییر اندکی می‌کند. (نجم، ۱۹۷۹م: ۱۰۳) در داستان کوتاه معمولاً بیشتر شخصیتهای ایستا هستند و «تغییر شخصیت خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد و اگر هم اتفاق بیفتد، تغییری ناچیز است.» (عبداللهیان، ۱۳۸۱ش: ۶۳)

در داستانهای بنت الهدی صدر بیشتر شخصیتهای ایستا هستند؛ یعنی شخصیتهای از آغاز تا انجام داستان تغییر چندانی به خود نمی‌بینند و در پایان همانند شخصیت آغازین خویش در داستان باقی می‌مانند؛ بگونه‌ای که از مجموع ۴۳ شخصیت، ۳۷ شخصیت ایستا (۸۶ درصد) و فقط شش شخصیت پویا (۱۴ درصد) هستند. نکته دیگر اینکه، ایستایی شخصیتهای داستانهای بیشتر در بعد مثبت آنهاست. (رک: جدول شماره ۱-۱) البته با توجه به متدین و مذهبی بودن نویسنده، این ویژگی کاملاً طبیعی و قابل انتظار است؛ زیرا «داستان نویسان در نگارش

داستانهایشان با هدف ارائه و بیان افکار و اندیشه‌های خویش به شخصیتها می‌پردازند» (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۷۵) و شخصیتهای داستانی، شبه شخصیتی تقلید شده از جامعه و جهان‌بینی نویسنده‌اند که بدان جان می‌بخشند. (آلوت، ۱۳۶۸ش: ۴۵۵) از سوی دیگر، پررنگ بودن بعد ایمانی و دینی نزد هر فرد مسلمان دیندار امری کاملاً متوقع است. (عمار، ۲۰۰۴م: ۲۶) به عنوان مثال، در داستان «نکران الجمیل» هدی شخصیتی ایستا دارد که در اول و آخر داستان به یک صورت است؛ او در قبال دین و مذهب خود احساس مسؤولیت می‌کند و از کارهایی خلاف شرع و دین دیگران رنجیده می‌شود: ^۱ «هدی از شنیدن این جمله یگه خورد به همین جهت سر برداشت در حالی که چنین می‌گفت: و داد! آیا گمان می‌کنی درد و اشک من برای خدا نیست؟ البته که به خاطر خدا و در راه اوست و همین امر موجب شده است که من این روزها در غم و غصه شدید بسر برم خواهر. هدی گفت: من هیچگاه در امر دینم کوتاهی نکرده‌ام و از انجام هیچ دستوری عملی آن تا جایی که بتوانم فروگذاری نمی‌کنم». (صدر، ۱۳۷۵ش: ۳۳)

در پایان داستان، شخصیت هدی همانند ماهیت اولیه‌اش در داستان باقی می‌ماند و ویژگی مثبت دینداری خود را حفظ می‌کند. و داد در توصیف شخصیت وی، در قالب گفتگو با هدی می‌گوید: «تو هدی هستی با تمام کمالات خداداد و ایمان و صبر و بردباری و رفتار متین و موقر تو زبازد همگان است. بنابراین این ویژگی‌های مثبت و ارزنده را در وجود خودت سرکوب مکن. انتظار این است که آرزوهای زیادی در وجود تو به شکوفه نشیند و رویاهای فراوانی در کمالات تو تعبیر شود و اصلاً تفسیر و توجیه بودن من با تو نیز همین است.» (همان: ۳۸)

نمونه دیگر این نوع شخصیت را می‌توان در داستان «عملیة جراحیة» مشاهده کرد که هر دو شخصیت این داستان (اخلاص و وفا) ایستا و مثبت هستند. از دیگر موارد شخصیت آسیه در داستان «مغامرة»، سراء و صالحه در داستان «الأيام الأخيرة»، خدیجه در داستان «الخالة الضائعة»، و داد و هدی در داستان «نکران الجمیل»، غفران و مهین در داستان «زیارة عروس».

نکته قابل ذکر درباره شخصیت‌های ایستا و ثابت داستانهای بنت الهدی آنکه معدود شخصیت‌های مرد این داستان، اعم از مثبت و منفی، جملگی ایستا هستند؛ مثبت ایستا؛ مانند مقداد در داستان «اختیار زوجة»، عبدالحکیم در داستان «صافرة إنذار» که همگی با نام ارائه شده‌اند. منفی ایستا که اغلب بدون نام هستند؛ مانند پدر مقداد در داستان «اختیار زوجة»، شوهر بیداء در داستان «مغامرة» و محسن در داستان «الخالة الضائعة».

۳،۲ شخصیت پویا: شخصیتی است که مداوم در داستان، دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصی او تحت تأثیر شرایط و رویدادها، دگرگون شود. (میرصادقی، ۱۳۸۰ش: ۹۴ و یوسف نجم، ۱۹۷۹م: ۱۰۳-۱۰۴) «این شخصیت به صورت تدریجی و در طی داستان برای خواننده معرفی می‌شود.» (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۸۵)

در داستانهای بنت الهدی صدر تعداد شخصیت‌های پویا بسیار کمتر از شخصیت‌های ایستاست (رک: جدول شماره ۱-۱) این امر به چند دلیل است که شاید بتوان اصلی‌ترین آن را علتی فنی دانست که به ذات، ظرفیت و قابلیت داستان کوتاه باز می‌گردد و آن اینکه چون داستان کوتاه حجم کمی دارد، لذا به نویسنده مجال نمی‌دهد تا از شخصیت‌های پویا استفاده کند؛ زیرا پردازش نیکو و تکوین شخصیت پویا نیازمند گستره‌ای به مراتب فراتر از داستان کوتاه است. از این رو، اکثر شخصیت‌های داستانی بنت الهدی صدر، ایستا و ثابت هستند. نکته قابل توجه و اساسی درباره اندک شخصیت‌های پویای داستانهای بنت الهدی صدر، اینکه روند و مسیر پویایی داستانهای او از بعد منفی و غیرمذهبی به سوی روند مثبت است که این امر نیز ریشه در روحیه مذهبی بنت الهدی و تأکید بر بعد تربیتی و آموزشی داستان نزد او به عنوان اصلی‌ترین هدف نویسنده متعهد دارد؛ زیرا هر هنرمند و نویسنده متعهدی باید نسبت به آنچه پیرامونش می‌گذرد، آگاه باشد و موضوعات هنری و داستانی خود را از محیط اطراف و جامعه پیرامونی خویش اخذ نماید. (قطب، ۲۰۰۹م: ۱۰)

از نمونه‌های این نوع شخصیت می‌توان به داستان «الحالة الضائعة» اشاره نمود. در این داستان، بشری در ابتدا شخصیتی منفی دارد. او با مردی ازدواج کرده است که با ارزشهای اسلامی و دینی مخالف است و به خوشگذرانی می‌پردازد. این شخصیت در بشری تأثیر گذاشته و در او تحول ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که به مادرش به دید کلفت می‌نگرد و به دین اهمیت نمی‌دهد. شخصیت منفی بشری از زبان مادرش و در قالب گفت و گو با خواهر زاده خود، اینگونه ارائه می‌شود: «او با من مانند یک کلفت رفتار می‌کند! از من می‌خواهد خانه اش را نظافت کنم و هنگام گردش و تفریح و شب نشینی و سینما رفتن او و شوهرش، بچه‌هایش را نگاهداری نمایم. شب گذشته خیلی دیر کرد ... وقتی بشری به خانه برگشت برای نخستین بار زبان به اعتراض گشودم... آه وقتی پاسخش را به یاد می‌آورم دلم از درد پاره می‌شود. او البته با

کمال پررویی به من گفت: تو فقط حرف می‌زنی و از یاد برده‌ای که خانه من عهده دار سرپرستی و گذران توست!... اصلاً آمادگی ندارم خودم را به‌خاطر تو یا فرزند شیرخوارم محدود و مقید کنم.» (صدر، ۱۳۷۵: ۱۴)

ولی همین شخصیت پس از مواجهه با شکست در زندگی که بر مبنای بی‌اخلاقی بنا شده است، در فرجام داستان دچار تحول می‌شود. او که شوهر طلاقش داده است، دینداری را سر رشته کار خود قرار می‌دهد، به مسائل دینی می‌پردازد و به کمک دختر خاله خود، خدیجه، روز به روز به اسلام نزدیکتر می‌شود: «هفته‌ها گذشت و بشری گام به گام به ایمان اسلام نزدیکتر می‌شد. او که شیفته خدیجه شده بود... از او و اخلاق و رفتارش بهره می‌جست. خدیجه هم کتابهای زیادی برای او فراهم می‌ساخت تا بشری آنها را بخواند.» (همان: ۲۷)

از دیگر نمونه‌های بارز این نوع شخصیت را می‌توان در داستان «لیتی کنت أعلم» به وضوح مشاهده کرد. در این داستان، انفال دارای شخصیتی پویاست که در ابتدای داستان نه اهل نماز است و نه به فکر دین. ولی آنگاه که در پی یک اشتباه اسمی، نتیجه آزمایش خورش خبر از ابتلای او را به سرطان خون می‌دهد، به ناگاه دگرگون می‌شود. اگرچه در پایان داستان متوجه می‌شود که هیچ بیماری ندارد، عهد و پیمانانش با خداوند را از یاد نمی‌برد؛ امری که با ایجاد نوعی غافلگیری برای خواننده بر تحرک و پویایی درامی داستان می‌افزاید: (زیتونی، ۲۰۰۲: ۱۱۴) «در حالی که احساس می‌کرد زندگی‌ای جدید را شروع کرده است و پیمانی را که با خدا بسته بود، به یاد آورد. او می‌دانست که اگر چه از مرگی با زمان معین و معلوم نجات یافته اما هرگز از مرگی که زمان آن نامعلوم است، نمی‌توان نجات یافت...» (صدر، ۱۳۶۹: ۱۸)

نمونه دیگر این نوع شخصیت را می‌توان در داستان «مغامرة» ملاحظه کرد که در آن بیداء دارای شخصیت پویاست. او در ابتدا داستان فرد مثبت و دینداری است که به سبب دین خود دست به ازدواج با کسی می‌زند که از دین فاصله گرفته است. او می‌خواهد با این کار نگرش و رفتار همسرش را تغییر دهد. ولی در میانه داستان تغییری در او ایجاد می‌شود، شخصیت شوهرش در او تأثیر می‌گذارد و او هم دارای شخصیت منفی می‌شود: «آسیه شنیده بود که وی (بیداء) پس از یک درگیری طولانی با شوهرش بالاخره تسلیم خواسته‌های وی شده و از حجاب دست برداشته و با شوهرش در باشگاه‌ها و میهمانی‌ها شرکت می‌کند.» (همان: ۷۰)

اما ذات بیداء پاک و مشتاق دین است و ذاتا این بی‌دینی را که به آن مجبور شده است، بر نمی‌تابد: «به علاوه شنیده بود که او دائما غمگین و گرفته است و هرگز خنده بر لبهایش نمی‌آید...» (همان) از این رو، این شخصیت در مسیر تحقق هدف نویسنده پردازش می‌گردد. در واپسین لحظه‌های داستان، پس از آنکه شوهرش وی را به علت ادای واجبات دین مانند نماز و روزه و مرگ فرزندش به سبب بیماری طلاق می‌دهد، دوباره به آن شخصیت اولیه خود روی می‌آورد و فردی دیندار می‌شود.

۳.۳ شخصیت اصلی: شخصیت اصلی، شخصیتی است که در طرح داستان، همه حوادث حول محور او می‌چرخد. (جزینی، ۱۳۸۵ش: ۴۸) با توجه اینکه «شخصیت اصلی در داستان محور همه حوادث و رخدادهاست، بنابراین بیشترین بار داستان را به دوش می‌کشد. شخصیت اصلی داستان طبق علایق و روحیات نویسنده انتخاب می‌شود و نویسنده بیشترین هم و غم خود را متوجه او می‌کند، تا زاویه دید و زبان او داستان را روایت کند.» (باقری، ۱۳۸۷ش: ۹۳) در اکثر داستانهای بنت الهدی صدر، به واسطه نگاه زنانه نویسنده و پرداختن به احساسات و مسائل و دغدغه‌های زنان، تمام شخصیت‌های اصلی او - به جز داستان انتخاب همسر که شخصیت اصلی مقدمات است - زنان دیندار هستند.

این نکته در خصوص شخصیت‌های اصلی داستانهای بنت الهدی قابل ذکر است که با توجه به محدود بودن دامنه زمانی و حجم متنی داستان کوتاه، مجال پرورش قهرمان و یا ضد قهرمان آنگونه که در داستان بلند و یا رمان وجود، در آن فراهم نیست و اصولاً در داستان کوتاه قهرمان به معنای واقعی وجود ندارد، بلکه یک شخصیت هنری اصلی در مرکز داستان قرار می‌گیرد و رویدادها گرد او می‌چرخد و این شخصیت همان شخصیت اصلی است. (شریبط، ۱۹۹۸م: ۲۴) در بعضی از داستانهای بنت الهدی، شخصیت اصلی دارای نام است و در بعضی از داستانهایش بدون نام است. به عنوان مثال در داستان «مغامره» شخصیت اصلی، دختری به نام بیداء است یا در داستان «زیاره عروس» شخصیت اصلی غفران است که نویسنده برای آنها نامی ذکر کرده است. ولی در داستان «الایام الأخریه» شخصیت اصلی خواهر سراء است که نامی برای او ذکر نشده است. یا در داستان «آخر هدیه» شخصیت اصلی زنی است که نامی برای او آورده نشده است، که این عدم نامگذاری، اشخاص داستانهایش را به شخصیت‌های قراردادی و تیپ

سازی نزدیک می‌کند. به‌طور کلی از مجموع ۱۴ داستان، در نه داستان شخصیت اصلی با ذکر نام آمده و در پنج داستان شخصیت بدون نام است.

۴. ۳ شخصیت فرعی: «شخصیتهایی را که در کنار شخصیت اصلی در مقام دوم و یا سوم و... هستند و اصولاً نسبت به شخصیت اصلی در داستان اهمیت کمتری دارند، شخصیت فرعی می‌نامیم. شخصیتهای فرعی، شخصیت اصلی را برای رسیدن به هدفش یاری می‌دهند.» (کاموس، ۱۳۷۷ش: ۵۷) و بیشتر برای آشکار شدن و پردازش بهتر شخصیت اصلی در داستان حضور پیدا می‌کند. (اسماعیل لو، ۱۳۸۴ش: ۷۱) از این رو، در داستانها معمولاً باید یک یا چند شخصیت فرعی وجود داشته باشد تا شخصیت اصلی نمود پیدا کند و بازتابی در داستان داشته باشد.

بنت الهدی صدر، در بیشتر داستانهای خود شخصیتهای فرعی بسیاری را به کار گرفته است. در بیشتر داستانها و با هدف پردازش بهتر داستان و ارائه هنری تر شخصیت اصلی، چندین شخصیت را در کنار شخصیت اصلی قرار داده است؛ به عنوان مثال، در داستان «الخالة الضائعة» نویسنده هفت شخصیت را آورده است که در این داستان، مادر بشری، شخصیت اصلی و شخصیت بشری، شوهر بشری، خدیجه، مادر خدیجه، هشام و محسن فرعی‌اند. یا داستان «صافرة انذار» چهار شخصیت دارد که در آن، اقبال، شخصیت اصلی و شخصیت عبد الحکیم و حیات و ام نعمان شخصیت فرعی‌اند. نکته قابل توجه اینکه، نویسنده در بعضی از داستانها فقط یک شخصیت را آورده است که نقش اصلی را ایفا می‌کند و از آوردن شخصیتهای فرعی دوری جسته است، که با توجه به اهمیت و نقش سازنده و کاربردی شخصیت فرعی در پیشبرد داستان و تکوین شخصیت اصلی، این امر نوعی ضعف در پردازش شخصیتهای بنت الهدی صدر تلقی می‌گردد.

نمونه آن داستان «نداء الضمیر» است که یک شخصیت زن دارد و آن «رواء» است که نقش اصلی داستان را ایفا می‌کند. یا در داستان «الفاقة المالية» نویسنده یک شخصیت را آورده است و شخصیت فرعی در این داستان وجود ندارد. از نظرگاه آماری، بیشترین شخصیت در داستان انتخاب همسر با هشت شخصیت و کمترین شخصیت در دو داستان نداء الضمیر و الفاقة المالية با یک شخصیت است.

شخصیتهای داستانی را از بُعدی دیگر می‌توان به دو نوع شخصیت ساده و جامع تقسیم- بندی نمود. اشخاص ساده ویژگی‌ها و خصوصیات گوناگون و زیادی ندارند و بر اساس یک فکر، اندیشه و کیفیت ساخته می‌شوند و یک بعدی هستند. باعث تعجب و شگفتی نمی‌شوند و برای ارائه آنها نیازی به تفسیر و پیچیدگی نیست. (سلام، د.ت: ۱۷) شخصیتهای ساده، گاه برای تقویت و پر رنگ کردن شخصیتهای جامع استفاده می‌شوند. (مستور، ۱۳۷۹ش: ۳۵) در برابر شخصیت ساده، شخصیت جامع قرار دارد. این شخصیت، شخصیتی پیچیده و دارای باطنی ژرف یا چند بعدی با جزئیات مختلف است. شخصیت جامع را برخلاف شخصیت ساده نمی‌توان در یک عبارت خلاصه کرد. (فورستر، ۱۳۶۹ش: ۷۵)

با توجه به اینکه داستان کوتاه مجال چندانی برای پردازش شخصیت پیچیده فراهم نمی‌آورد، بیشتر شخصیتهای داستانهای بنت الهدی صدر، شخصیتهایی ساده هستند؛ یعنی شخصیت از آغاز تا پایان داستان، همان خصوصیت یک بعدی بودن، سادگی و وضوح ابعاد شخصیتی خود را حفظ می‌کند.

وفا در داستان «عملیة جراحیة» شخصیتی ساده و بدون هیچ گونه پیچیدگی است. در این داستان، وفا شخصیتی مذهبی و مثبت است که در جایگاه راهنما و ناصح قرار دارد. او در تمام امور به دوست خود کمک می‌کند و همواره با وعظ و نصیحت کردن، بهترین راهها را در مقابل او قرار می‌دهد. صداقت در کارها را به بهترین نحو می‌توان در رفتار او مشاهده کرد: «وفا نسبت به دوستش اخلاص، حکم آینه‌ای را داشت که عیب و نقصهای او را با مدارا و ملاحظت به او نشان می‌داد و او را از صمیم قلب و از روی نصیحت و دلسوزی به نقطه ضعفهایش آگاه می‌ساخت. به این ترتیب اخلاص حق داشت که در نبود دوستش وفا احساس ترس و وحشت کند و از لحاظ روحی و عاطفی دچار سرخوردگی شود. چه اینکه مشعل فروزانی را از دست داده بود که راهش را روشن می‌ساخت و راهنمای دلسوزی را که خطا و اشتباهش را گوشزد می‌کرد.» (صدر، ۱۳۷۵ش: ۱۲۶) با توجه به ساده بودن شخصیت وفا، ابعاد شخصیتی او در داستان به راحتی شناخته می‌شود؛ زیرا در اثر شرایط و اوضاع تغییر نکرده است و در خلال آن حرکت می‌کند. (سلام، د.ت: ۱۷)

۴. شیوه‌های شخصیت‌پردازی

در تعریفی کلی از شخصیت‌پردازی باید آن را «معرفی شخصیت با روایت، شناساندن شخصیت از طریق گفتگو و شخصیت‌پردازی در قالب اعمال شخصیت» دانست. (حنیف، ۱۳۸۴ش: ۳۳) نویسنده برای شخصیت‌پردازی به توصیف شخصیت می‌پردازد. در واقع «جریانی که به یاری آن خواننده را با اشخاص داستان آشنا می‌کنیم، توصیف نامیده می‌شود.» (یونسی، ۱۳۸۸ش: ۳۰۱) توصیف دو نوع مستقیم و غیرمستقیم است.

الف) توصیف مستقیم: در این روش نویسنده بگونه ای مستقیم به دخالت آمرانه و تکیه بر کلی‌گویی و تیپ‌سازی در تحلیل شخصیتها، به بیان خصوصیات آنها می‌پردازد. (سی، ۱۳۷۸ش: ۷۶) یعنی نویسنده از خارج صراحتاً ویژگی‌ها، عواطف، افکار، انگیزه‌ها و احساسات شخصیتها را ارائه می‌دهد. (نجم، ۱۹۷۹م: ۸۱) در این شیوه شخصیت‌پردازی، دو وجه از شخصیتها جداگانه، یا با هم ارائه می‌گردد؛ یکی وجه ظاهری شخصیتهاست و دیگری وجه درونی شخصیتها که شامل حالات و عواطف و احساسات اشخاص داستانی می‌شود. توصیف ظاهری همواره یکی از ابعاد شخصیت‌پردازی بوده است. خواننده داستان همواره تحت تأثیر توصیفات نویسنده، ظاهری برای شخصیت داستان متصور می‌شود. اگر این توصیفات دقیق و هماهنگ با شخصیت داستان باشد، حس ملموسی از شخصیت ارائه می‌دهد و شخصیت به راحتی برای مخاطب قابل درک و پذیرش می‌شود؛ زیرا کوچکترین نکات در ظاهر شخصیت مانند: لباس، رنگ چهره، قد و ... داده‌های فراوانی را در خود دارد. (اسلین، ۱۳۸۷ش: ۳۹) که می‌تواند آنها را به خواننده منتقل کند.

البته باید در نظر داشت اگرچه «این روش می‌تواند از امتیاز وضوح و ایجاز در شخصیت‌پردازی آدمهای داستان برخوردار باشد؛ اما این روش هرگز نمی‌تواند به تنهایی به کار برود» (میرصادقی، ۱۳۸۰ش: ۸۸) و از دیگر روشها هم باید بهره گرفت تا داستان در یکنواختی کسل‌کننده و ملال آور گرفتار نیاید. این نوع توصیف را می‌توان در داستان «اختیار زوجه» یافت. بنت‌الهدی، درباره خصوصیات ظاهری شخصیت مادر افنان (مادر عروس) می‌نویسد: «مادر عروس خانم اندام متوسطی داشت، نه لاغر بود و نه چاق، صورتش موزون و تا حدودی با نمک بود.» (صدر، ۱۳۷۵ش: ۶۶) در این قسمت نویسنده به وسیله توصیف مستقیم و با تکیه

بر راوی سوم شخص (دانای کل) به ارائه شخصیت داستانی می‌پردازد (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۹۱) و مخاطب خود را با این شخصیت آشنا می‌سازد، به گونه‌ای که با خواندن این مطالب به راحتی می‌توان به شخصیت ظاهری او پی برد.

در همین داستان، هنگام مواجهه مادر مقداد با افنان؛ دختر مطمح نظر پسرش، در قالب توصیف مستقیم و از زاویه دید دانای کل محدود، اینگونه ترسیم می‌شود: «تا اینکه دختر خانم کم سن و سال، خوش برخورد و بسیار زیبا و با نمک که خیلی دور از حد و انتظار بود، در را به روی آن‌ها باز کرد. این دختر همچنان که در صورت زیبایی او خیره شده بودند، خوش آمد گفت.» (صدر، ۱۳۷۵ش: ۶۶)

در داستان «مغامرة» فؤاد همسر بیداء علی‌رغم برخورداری از تحصیلات عالی، ثروت، زیبایی، موقعیت اجتماعی، از جهت دینی، شخصیتی منفی و دارای اصول اعتقادی ضعیفی است. نویسنده این جنبه اخلاقی و شخصیتی او را در قالب توصیف مستقیم و از زبان راوی سوم شخص نامحدود اینگونه بیان می‌کند: «هرگاه در مورد دین با او سخن می‌گفت، او را به مسخره می‌گرفت، یا آنکه ابراز تفر می‌کرد. هر قدر بیداء وسائل راحتی و سعادت را بیشتر برای او در خانه فراهم می‌ساخت، در می‌یافت که او بیشتر از خانه بیرون می‌رود...» (صدر، ۱۳۶۹ش: ۶۴)

یکی از اصلی‌ترین محاسن توصیف مستقیم، وضوح و روشنی ارائه شخصیت و آشنایی سریع و کم زحمت خواننده با آن است؛ (نجم، ۱۹۷۹م: ۹۸) خصوصیتی که در نمونه‌های مطرح شده از داستانهای بنت الهدی کاملاً مشخص و ملموس است.

ب) توصیف غیرمستقیم: «شخصیت‌پردازی غیرمستقیم آن است که نویسنده از طریق اعمال، رفتار، اندیشه‌ها و گفتار وحتى نام شخصیت، اطلاعاتی را به طور غیرمستقیم در اختیار خواننده قرار دهد.» (عبداللهیان، ۱۳۸۱ش: ۶۹) در این شیوه که به آن شیوه تمثیلی و نمایشی نیز گفته می‌شود، این شخصیتها هستند که آزادند تا به وسیله کارها و سخنان خود شخصیت خود را ارائه دهند. (زکریا القاضی، ۲۰۰۹م: ۶۹ و الهاشم، ۱۹۶۶م: ۱۰۴)

توصیف غیرمستقیم به یاری گفتگو: یکی از ابزارهایی که در توصیف غیرمستقیم شخصیت استفاده می‌شود، عنصر گفتگو است؛ زیرا «گفتگو بهترین وسیله برای نشان دادن روابط بین اشخاص است.» (سلیمانی، ۱۳۷۴ش: ۳۶۵) گفتگو موثرترین شیوه برای بیان احساس

شخصیتهای داستان است و هر چه گفتگوها در داستان پربسامدتر باشد، بر بعد درامی آن می‌افزاید؛ زیرا گفتگو جانمایه اصلی نمایش است. گفتگو دو نوع است:

گفتگو دو طرفه یا دیالوگ : در این شیوه، از طریق گفتگو بین دو نفر، شخصیت افراد داستان ارائه می‌شود؛ نمونه این نوع گفتگو در داستانهای بنت الهدی صدر، در داستان «اختیار الزوجه» به کار رفته است. در این داستان از طریق گفتگوی مقدار با مادرش، شخصیت مادر او شناخته می‌شود: «مقداد گفت: ببین مادر! من دختر مورد نظرم را جز از نقطه نظر دینی مورد ارزیابی قرار نمی‌دهم و تا جایی که او را می‌شناسم دختر مومن و با حجابی است. مادر مقدار گفت: ای وای! بنابراین یک عنصر غیر فرهنگی است. مقدار گفت: با فرهنگ عمومی آشناست. مادر مقدار پرسید: پایه تحصیلاتش چیست؟ مقدار گفت: ششم ریاضی مادر. مادر مقدار گفت: بگو ببینم از چه خانواده‌ای است؟ مقدار گفت: او از خانواده ای است که به خیر اندیشی و امانت‌داری معروف است. مادر مقدار گفت: بنابراین به خانواده اشراف تعلق ندارد؟ ... مادر مقدار پرسید: شغل پدرش چیست؟ مقدار گفت: بقال. مادر مقدار از خود بی خود شد و تکرار کرد: بقال؟ مقدار گفت: بله، اما او مرد خوبی است. مادر مقدار با نهایت تکبر و خود پسندی حرف او را قطع کرد و گفت: در حالی که تو، آری تو یک اشراف زاده ای فرزند مال و ثروت و تربیت یافته فرهنگ و دانشی می‌خواهی سرنوشتت را با سرنوشت یک بچه بقال گره بزنی؟ مقدار گفت: مادر اگر دختر یک طلا فروش را انتخاب می‌کردم چه نظری داشتی؟ مادر مقدار گفت: یک طلا فروش تاجر به حساب می‌آید و میان بقال و طلا فروش تفاوت زیادی وجود دارد» (صدر، ۱۳۷۵ش: ۶۳)

در این قسمت داستان، نویسنده از طریق گفتگوی غیرمستقیم، شخصیت مادر مقدار را -که شخصیتی کلیشه‌ای و معمولی است- به تصویر می‌کشد؛ زیرا در شخصیت پردازی این مهم نیست که شخصیتهای داستان، افرادی خاص و یا معروف و جنجالی باشند و یا افرادی عادی و معمولی، بلکه مهم آن است که نویسنده بهترین شیوه شخصیت‌پردازی را به بهترین شکل در ترسیم چهره شخصیت مورد استفاده قرار دهد، بگونه ای که شخصیت او واقعی و بدون هر گونه تصنعی بودن باشد و خواننده او را بپذیرد و از همراهی با او دچار کسالت نشود. (قطب، ۲۰۰۳م: ۸۸-۸۹) فرایندی که بنت الهدی در این داستان به خوبی از عهده آن برآمده است.

نکته قابل توجه این است که نویسنده، بعضی داستانها را تماما در قالب گفتگوهای آورده است که بین شخصیتها رد و بدل می‌شود. این را می‌توان به عنوان یک ویژگی در داستانهای او بر شمرد که بر بعد درامی آن می‌افزاید؛ مثل داستان «مغامره» که بیشتر آن گفتگو بین دو شخصیت بیداء و آسیه است. در داستان «اختیار الزوجه»، نیز بیشتر داستان گفتگو بین مقداد و مادرش است. **گفتگوی یک‌طرفه یا مونولوگ:** در این روش خواننده از طریق گفتگوی شخصیت با خودش، به شخصیت او پی می‌برد. به این نوع گفتگو حدیث نفس هم می‌گویند که در آن شخصیت افکار و احساساتش را به زبان می‌آورد تا خواننده از نیات و مقاصد او با خبر شود. (بی‌نیاز، ۱۳۸۷ش: ۳۰۲)

از جمله تک‌گویی‌های به کار رفته در داستانهای بنت الهدی، می‌توان به داستان «لیتی کنت أعلم» اشاره نمود، که در آن از طریق خودگویی انفال، شخصیت منفی او در گذشته و حالات ندامت و پشیمانی‌اش در زمان حال، ارائه می‌شود: «ای کاش به جای خواندن مطالب بی‌اساس، قرآن خوانده بودم. ای کاش به جای آنکه از طریق مجلات، تئترهای هالیوودی بشناسم از طریق کتابهای مفید دین خود را شناخته بودم... همینطوری تکرار می‌کرد: ای کاش: ای کاش فلانی را از خودم نمی‌رنجاندم و به دیگری ظلم نمی‌کردم. ای کاش به هیچکس دروغ نگفته بودم و غیبت احدی را نکرده بودم. انفال در آن موقع اهمیت توشه برایش روشن نبود اما حالا به این توشه شدیداً نیاز داشت.» (صدر، ۱۳۶۹ش: ۱۶)

در این خودگویی، بنت الهدی، با تکیه بر روش غیرمستقیم شخصیت‌پردازی، شخصیت داستان را آزاد می‌گذارد تا با تکیه بر ضمیر متکلم و ارائه کشمکشهای ذهنی و عواطف درونی و در قالب آرزو و افسوس بر آنچه گذشته، شخصیت نادم خویش را برای خواننده ترسیم نماید. (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۹۱) یا در داستان «نداء الضمیر» که «رواء» با خودش گفتگوی درونی دارد. صدای وجدانش با او گفتگو می‌کند، که این مونولوگ بیان‌کننده شخصیت دودل و مردد رواء میان دین‌داری و بی‌دینی است. او از آغاز تا پایان داستان با خودش کلنجار می‌رود و در نهایت تصمیم خود را می‌گیرد، دینداری را بر می‌گزیند.

توصیف غیرمستقیم به یاری اعمال و رفتار: «رفتار انسان، اعظم تفکرات، احساسات و اعمال او را شامل می‌شود و قصه‌نویس از طریق رفتار متفکرانه، عاطفی و یا عینی اشخاص به موقعیت شخصیتها پی می‌برد.» (براهنی، ۱۳۶۸ش: ۲۸۳) در این روش شخصیتهای داستان در

حین عمل نشان داده می‌شوند و از روی آنچه می‌کنند، می‌توان حدس زد که چه نوع آدمی هستند. (میرصادقی، ۱۳۸۰ش: ۹۰-۹۱)

این نوع توصیف غیر مستقیم را می‌توان در داستان «زیارة عروس» یافت، که نویسنده در ترسیم شخصیت مثبت و دیندار غفران در قالب کارهایش، می‌نویسد: «غفران بعد از اقامه نماز ظهر، به تلاوت آیاتی از قرآن کریم پرداخت. معنی آیاتی که غفران تلاوت می‌کرد او را سرشار لذت نمود و کام جانش را شیرین‌تر از عسل ساخت و چندان شادابی و نشاط روحی و معنوی به وی بخشید که ذهن او را تا فضای روح بخش ملکوت بالا برد و آمال و آرزوهایش را به آسمان حقیقت آویخت. غفران از هر آیه درسی فرا می‌گرفت و از هر کلمه پندی می‌آموخت و روزنه‌هایی از نور پیش چشمش گشوده می‌شد.» (صدر، ۱۳۷۵ش: ۴۱)

همانطور که پیش از این اشاره شد؛ هدف اصلی بنت الهدی صدر در داستانهایش، بعد تربیتی و دینی آن است، او در داستانهایش به خوبی می‌داند که زندگی شخصیتها منحصر به چهارچوب داستان نیست، بلکه می‌تواند با تأثیری که در وجود هر یک از مخاطبان خود می‌گذارد، تغییری فراتر از یک متن و داستان و یا لحظه‌ای گذرا، داشته باشد و «می‌تواند به هر یک از آنها زندگی جدید و دوباره‌ای ببخشد.» (الحکیم، ۱۹۷۳م: ۲۲۴)

توصیف غیرمستقیم از طریق نام اشخاص: استفاده از نام شخصیتها و دلالتهای آنها که غالباً تعمدی و پیش اندیشیده انتخاب می‌شوند و در حکم سخنگوی فکری خالق خود هستند. یکی از روشهایی است که نویسندگان برای معرفی شخصیتهای داستانهای خود به کار می‌گیرند. درباره نقش نام شخصیتها در پردازش داستان *رولان بارت* معتقد است: «در باب هر نام خاص باید دقیقاً تأمل کرد؛ زیرا نام خاص اگر بتوان گفت، شاه دالهاست و معانی ضمنی اش، غنی و اجتماعی و نمادین هستند.» (به نقل از قویمی، ۱۳۸۸ش: ۵۳) وانگهی انتخاب پیش اندیشیده نامها اگر با رفتار، کنش و گفتار شخصیتها هماهنگ باشد، می‌تواند بخشی قابل اعتنا را از شخصیت پردازش داستان کوتاه-که فضا و ابزارهای آن محدود است- به انجام رساند. اما با این اوصاف، این نکته را باید متذکر شد که «در وادی روایت، قانون محدود کننده و خاصی برای تعیین نام شخصیتهای داستان وجود ندارد... و نویسنده در انتخاب نامها آزاد است که یک نام معمولی و بدون دلالت برگزیند و یا نامی نمادین و رمزگونه و با دلالت‌های خاص خود.» (روحی الفیصل، ۱۹۹۵م: ۱۱۴)

در داستانهای بنت الهدی صدر نیز گزینش نام شخصیت در اکثر موارد هوشمندانه و تعمدی است. بیشتر نام شخصیت‌های مثبت، یا از دلالتی مثبت برخوردار است و یا نام افراد و اشخاص دینی و مذهبی خوش نام و شناخته شده اسلامی است، تا بعد مثبت و دینی آنها برای خواننده پررنگ‌تر و ملموس‌تر جلوه نماید. از طرفی نام شخصیتها با توصیفات نویسنده درباره آنها و نوع رفتار و گفتارشان هماهنگ است. از آن نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

شخصیت‌های مثبت: خدیجه (نام همسر پیامبر اسلام^(ص) و محسن (نیکوکار) در داستان «الخالة الضائعة»، هدی (هدایت) و وداد (محبت و دوستی) در داستان «نکران الجمیل»، غفران (مغفرت و بخشش) در داستان «زیارة عروس»، مقداد (نام مقداد بن اسود یکی از صحابه پیامبر) در داستان «انتخاب همسر»، عبدالحکیم (بنده خداوند حکیم) در داستان «صافرة إنذار»، أسماء (نام اسماء بنت عمیس از زنان بزرگ صدر اسلام و همسر جعفر بن ابی طالب) و زهراء (نام حضرت فاطمه زهرا) در داستان «رسائل و خواطر»، اخلاص (پاکی و نجات) و وفاء (وفاداری) در داستان «عملية جراحية»، صالحه (زن صالح و نیکوکار) و سراء (خوشبختی و آسایش) در داستان «الأيام الأخيرة»، آسیه (همسر مومنه فرعون) وفاء (وفاداری) و رجاء (امید و آرزو) در داستان «مغامرة». در مورد معدود شخصیت‌های منفی، اسامی فاقد دلالت معنایی خاصی هستند؛ مانند: فؤاد در داستان «مغامرة»، هشام و بشری در داستان «الخالة الضائعة»، هیفاء در داستان «زیارة عروس».

جدول بسامد انواع شخصیت

۱.۱ شخصیت ایستا و پویا

داستانها	تعداد کل شخصیتها	تعداد شخصیت ایستا	درصد شخصیت ایستا در هر داستان	تعداد شخصیت پویا	درصد شخصیت پویا در هر داستان
لیتی کنت أعلم	۳	۲	۶۷	۱	۳۳
صفقة خاسرة	۲	۰	۰	۲	۱۰۰
آخر هدیه	۲	۲	۱۰۰	۰	۰
الأيام الأخيرة	۳	۳	۱۰۰	۰	۰
الفاقة المالية	۱	۱	۱۰۰	۰	۰
مغامرة	۳	۲	۶۷	۱	۳۳
الخالة الضائعة	۷	۶	۸۶	۱	۱۴
نکران الجمیل	۲	۲	۱۰۰	۰	۰
زیارة عروس	۵	۵	۱۰۰	۰	۰
صافرة إنذار	۴	۳	۷۵	۱	۲۵
نداء الضمیر	۱	۱	۱۰۰	۰	۰
اختیار زوجة	۸	۸	۱۰۰	۰	۰

۷۰/ واکاوی شخصیت زنان در داستانهای دو مجموعه «لیتنی کنت أعلم» و «الخالة الضائعة» اثر «بنت الهدی صدر»

عملية جراحية	۲	۲	۱۰۰	۰	۰
مجموع	۴۳	۳۷	۸۶	۶	۱۴

۱.۲ بسامد شخصیت مرد و زن

داستانها	تعداد کل شخصيتها	تعداد شخصیت مرد	درصد شخصیت مرد در هر داستان	تعداد شخصیت زن	درصد شخصیت زن در هر داستان
لیتنی کنت أعلم	۳	۱	۳۳	۲	۶۷
صفقة خاسرة	۲	۱	۵۰	۱	۵۰
آخر هدية	۲	۱	۵۰	۱	۵۰
الأيام الأخيرة	۳	۰	۰	۳	۱۰۰
الفاقة المالية	۱	۰	۰	۱	۱۰۰
مغامرة	۳	۱	۳۳	۲	۶۷
الخالة الضائعة	۷	۳	۴۳	۴	۵۷
نكران الجميل	۲	۰	۰	۲	۱۰۰
زيارة عروس	۵	۰	۰	۵	۱۰۰
صافرة إنذار	۴	۱	۲۵	۳	۷۵
نداء الضمير	۱	۰	۰	۱	۱۰۰
اختيار زوجة	۸	۲	۲۵	۶	۷۵
عملية جراحية	۲	۰	۰	۲	۱۰۰
مجموع	۴۳	۱۰	۲۳	۳۳	۷۷

۱.۳ بسامد شخصیت‌های بی‌نام و شخصیت‌های گذرا

بررسی دیگر شخصيتها	تعداد	درصد
تعداد شخصیت بی‌نام مرد	۵	۱۲
تعداد شخصیت بی‌نام زن	۱۲	۲۸
تعداد شخصیت‌های گذرا یا تصادفی	۱۲	۲۸
تعداد کل شخصیت‌های داستان	۴۳	۱۰۰

نتیجه‌گیری

پس از بررسی ابعاد گوناگون شخصیت زن در داستانهای کوتاه بنت الهدی صدر، می‌توان به نتایج زیر اشاره نمود:

- داستانهای بنت الهدی صدر مربوط به حوادثی است که در زندگی قشر زنان مسلمان رخ داده است. هدف نویسنده از نوشتن این داستانها آن است تا بیان نماید، او در دوره‌ای زندگی

می‌کرده است که جامعه اسلامی به خصوص زنان و دختران با دوری از اسلام، گرفتار پلیدی‌ها و توطئه‌های فریبنده می‌شدند؛ لذا وی با نوشتن آثار خود و پررنگ جلوه دادن شخصیت زن دیندار و مؤمن در آثارش به کمک این طبقه می‌پردازد و همین سبب می‌شود که او در نوشته‌های خود به زنان بیشتر از مردان توجه کند.

- در اکثر داستانهای بنت الهدی، زنانی که نقش اصلی را ایفا می‌کنند، دارای نام هستند. اما در مواردی شخصیت این زنان در پرده ای از ابهام است و نامی برای آنها ذکر نشده و به صورت تمثیلی و مطلق آورده شده‌اند تا الگویی باشند برای تمام زنان مسلمان و حتی غیرمسلمان، که این را می‌توان یک شاخصه یا ویژگی در داستانهای او به شمار آورد.

- از منظر انواع شخصیت، تأکید نویسنده بیشتر بر شخصیت‌های زن با ایمان و ایستا است، بگونه‌ای که در داستانهایش، بیشترین بسامد را شخصیت‌های ایستا دارد، با ۸۶ درصد در برابر بسامد ۱۴ درصدی شخصیت‌های پویا. در زمینه شخصیت اصلی و فرعی، در همه داستانها، شخصیت اصلی زن است (به جز داستان انتخاب همسر) و تعداد شخصیت زنان به عنوان طبقه‌ای که نقشی اساسی در اجتماع دارند؛ در داستانهای او بسیار بیشتر از مردان است، از این رو، ۷۷ درصد شخصیتها را زنان و ۲۳ درصد شخصیتها را مردان تشکیل می‌دهند.

- نویسنده شخصیت‌های داستانهایش را به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم پردازش کرده است. در توصیف مستقیم در کنار ارائه ویژگی‌های ظاهری شخصیتها، ترسیم خصوصیات درونی، عاطفی و اخلاقی آنها نیز مورد توجه نویسنده بوده است. در شیوه غیر مستقیم، بنت الهدی از عنصر گفتگو و انواع آن؛ یعنی گفتگوی دوطرفه (دیالوگ) و گفتگوی یک طرفه (مونولوگ) در کنار کنشها و رفتارهای شخصیتها بهره برده است. همچنین انتخاب تعمدی و هوشمندانه نام شخصیت و توجه به دلالت معنایی آنها، نقشی ارزشمند در ترسیم هنرمندانه و غیر مستقیم چهره شخصیت‌های داستانی داشته است.

- از آنجایی که نویسنده از شخصیتی کاملاً مذهبی و متدین برخوردار بوده است؛ لذا مذهب و دین به عنوان اصلی‌ترین درونمایه و دغدغه او در داستانهایش مطرح است و روند پیرنگ (آغاز، انجام و سرانجام) این داستانها، در جهت مسائل اسلامی و تربیتی حرکت می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. به سبب جلوگیری از افزایش حجم مقاله و ضیق مقال، فقط برگردان شاهد مثالهای داستانی آورده شده و از آوردن متن عربی خودداری شده است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آلتوت، میریام. (۱۳۶۸ش). *رمان به روایت رمان‌نویسان*؛ چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۲. اسلین، مارتین. (۱۳۷۸ش). *دنیای درام*؛ ترجمه محمد شهباء، چاپ سوم، تهران: هرمس.
۳. اسماعیل لو، صدیقه. (۱۳۸۴ش). *چگونه داستان بنویسیم*؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.
۴. باقری، نرگس. (۱۳۸۷ش). *زنان در داستان*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.
۵. براهنی، رضا. (۱۳۶۸ش). *قصه‌نویسی*؛ چاپ چهارم، تهران: نشر البرز.
۶. بی‌نیاز، فتح‌الله. (۱۳۸۷ش). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران*؛ چاپ اول، تهران: افراز.
۷. جزینی، محمدجواد. (۱۳۸۵ش). *الفبای داستان‌نویسی*؛ چاپ اول، تهران: هزاره ققنوس.
۸. حنیف، محمد. (۱۳۸۴ش). *قابلیتهای نمایشی شاهنامه*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
۹. سلیمانی، محسن. (۱۳۷۴ش). *فن داستان‌نویسی*؛ چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۰. سی، آرتور و دیگران. (۱۳۷۸ش). *هزارتوی داستان*؛ ترجمه نسرین مهاجر، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
۱۱. صدر، بنت الهدی. (۱۳۶۹ش). *ای کاش می‌دانستم*؛ ترجمه حسن عابدی، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. _____ (۱۳۷۵ش). *دیدار عروس*؛ ترجمه مسلم صاحبی، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱ش). *شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات آن.

۱۴. فورستر، ادوارد مورگان. (۱۳۶۹ش). *جنبه‌های رمان*؛ ترجمه محسن سلیمانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نگاه.
۱۵. قویمی، مهوش. (۱۳۸۸ش). «ارزش توصیفی نامها در داستانهای هزار و یک شب» *جهان هزار و یک شب*، به کوشش جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، صص ۵۱-۶۹.
۱۶. کاموس، مهدی. (۱۳۷۷ش) «کارکرد شخصیت‌های فرعی در جهان داستان»؛ *نشریه ادبیات داستانی*، شماره ۴۸، صص ۵۶-۶۲.
۱۷. مستور، مصطفی. (۱۳۷۹ش). *مبانی داستان کوتاه*؛ چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۱۸. میر صادقی، جمال. (۱۳۸۰ش). *عناصر داستان*؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.
۱۹. میر صادقی، میمنت. (۱۳۷۷ش). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی - فرهنگ تفصیلی اصطلاحهای ادبیات داستانی*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب مهناز.
۲۰. نعمانی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). *سیره و راه شهیده بنت الهدی صدر*؛ ترجمه نجیب الله نوری، چاپ اول، قم: انتشارات جامعه المصطفی (ص) العالمیه.
۲۱. یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۸ش). *هنر داستان نویسی*؛ چاپ دهم، تهران: انتشارات نگاه.
- ب) عربی**
۱. برنس، جیرالد. (۲۰۱۲م). *عالم السرد*؛ ترجمه باسم صالح، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. الحکیم، توفیق. (۱۹۷۳م). *فن الآداب*؛ بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
۳. روحی الفیصل، سمر. (۱۹۹۵م). *بناء الروایة العربیة السوریة*؛ دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۴. زکریا القاضی، عبدالمنعم. (۲۰۰۹م). *البنیة السردیة فی الروایة*؛ الجیزة: عین الدراسات و البحوث الإنسانیة و الاجتماعیة.
۵. زیتونی، لطیف. (۲۰۰۲م). *معجم مصطلحات نقد الروایة*؛ الطبعة الأولى، بیروت: مکتبه ناشرون.
۶. سعدون حیدر، أسعد. (۲۰۱۱م). *الفضاء القصصی عند صبحی فحماوی*؛ اللاذقیة: دار الحوار للنشر و التوزیع.
۷. سلام، محمد زغلول. (د.ت). *دراسات فی القصصة العربیة الحدیثة*؛ الإسکندریة: منشأة المعارف.

٨. شریبط، أحمد. (١٩٩٨م). *تطور البنية الفنية في القصة الجزائرية المعاصرة*؛ دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
٩. صدر، بنت الهدی. (د.ت). *المجموعة القصصية الكاملة*؛ المجلد ١-٢، الطبعة الأولى، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٠. عبدالمحسن، محمد حسن. (٢٠١١م). *البنية السردية في رواية صبحی فحماوی*؛ سوريا: دار الحوار للنشر و التوزيع.
١١. عمارة، فخری. (٢٠٠٤م). *في فن الحكی*؛ القاهرة: مكتبة الآداب.
١٢. القباني، حسين. (١٩٧٩م). *فن كتابة القصة*؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالجيل.
١٣. قطب، سيد. (٢٠٠٣م). *النقد الأدبي أصوله و مناهجه*؛ الطبعة الثامنة، بیروت: دارالشروق.
١٤. قطب، محمد. (٢٠٠٩م). *قراءة في القصة القصيرة*؛ القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
١٥. نجم، محمد يوسف. (١٩٧٩م). *فن القصة*؛ بیروت: دارالثقافة.
١٦. الهاشم، جوزيف و آخرون. (١٩٦٦م). *المفید في الأدب العربي*؛ الطبعة الثانية، بیروت: منشورات المكتب التجاري.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال پنجم، دوره جدید، شماره شانزدهم، تابستان ۱۳۹۳

دراسة شخصية المرأة في قصص مجموعتي «ليتني كنت أعلم» و «الخالة الضائعة»
للشهيذة بنت الهدى*

علي أصغر حبيبي
أستاذ مساعد بجامعة زابل

الملخص

تعتبر الشخصية من أهمّ المكونات الروائية التي تقوم بالدور الرئيسي في كل قصة، وفي هذا الصدد فإن التواجد المكثف للمرأة بصفتها شخصية محورية في القصص، والاهتمام بمعالجة شخصيتها من الأمور الأساسية التي استرعت انتباه الروائيين في العقود الأخيرة. ومن هؤلاء الروائيين العرب، الذين اهتموا اهتماماً بالغاً بدور المرأة، نستطيع الإشارة إلى الشهيذة بنت الهدى (آمنة حيدر الصدر). ونظراً لهذا الحضور المشهود للمرأة في قصص بنت الهدى اهتمّ المقال واعتماداً على المنهج التفسيري-التحليلي، بدراسة أنواع الشخصيات النسائية وكيفية معالجتها في أربع عشرة قصة قصيرة من مجموعتي "ليتني كنت أعلم" و"الخالة الضائعة" لبنت الهدى. في البداية درسنا أقسام الشخصيات من ثابتة ومتحولة ورئيسية وفرعية وجامعة وبسيطة، ثمّ بحثنا في أساليب معالجة الشخصيات النسائية (الطريقة المباشرة وغير المباشرة: الحوار والوظائف والأسماء) في قصص الكاتبة. وتشير نتائج البحث إلى أنّ أكثر شخصيات بنت الهدى في قصصها، نساء مؤنات ومتدينات وهن شخصيات ثابتة وبسيطة، وأنّ الكاتبة اهتمت بميزاتها الذاتية والمعنوية. ولقد استفادت من الطريقة المباشرة وغير المباشرة في معالجة شخصياتها.

الكلمات الدليلية: معالجة الشخصية، المرأة، القصة القصيرة، بنت الهدى.

* تاريخ الوصول: ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ تاريخ القبول: ۱۳۹۳/۰۲/۱۳

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني: amin_habiby@yahoo.com